

# عاشق ریاضی



## اعظم کریمیان زاده

کارشناس ارشد آموزش ریاضی و دبیر ریاضی کرمان

معلمی که در پرتوی مطالبش چگونه فکر کردن را از او یاد گرفته بودم، برایم هیجان عجیبی داشت. در آن جلسه، خیلی‌ها در مورد پرویز شهریاری گفتند و من بیشتر با او و خدماتش آشنا شدم. آن جلسه نقطه عطف زندگی‌ام در آموزش ریاضی بود. بعد از آن جلسه، یک دوره از کتاب‌هایش را به انجمن ریاضی هدیه کرد. در سال ۸۶ که طرح اولین جشنواره خانه ریاضیات نوشته شد، کتاب‌های **در پی فیثاغورث، سرگرمی‌های هندسه، معماهای آسان، سرگرمی‌های ریاضی، سرگرمی‌های توبولوژی، خلاقیت ریاضی و بسیاری دیگر را که غنی‌ترین منبع‌ها، برای ساخت وسایل غرفه‌ها بودند در جشنواره ارایه شد.** با کتاب‌های او، عموم مردم طعم شیرین ریاضیات را چشیدند. در اختتامیه نخستین جشنواره ریاضیات، پرویز شهریاری مهمان خانه ریاضیات کرمان بود. با وجود کهولت سن، حدود یک ساعت ایستاده سخنرانی کرد و از ریاضیات و ریاضیدانان ایرانی سخن گفت. با او جلسه‌ای صمیمانه در منزل دکتر مهدی رجبعلی‌پور و خانم بتول باقری داشتیم. بسیار متین و کم‌حرف، در عین حال صمیمی و مهربان بود. از همان ابتدای آشنایی با پرویز شهریاری، از لابه‌لای کتاب‌هایش فن معلمی را نیز آموختم. خاطرات تدریسش که در گوشه و کنار بعضی کتاب‌های او به چشم می‌خورد، برایم آموزنده‌ترین روش تدریس ریاضی است. امروز که معلم هستم. هنگام شکوه دانش‌آموزانم در درس ریاضی، کتاب **شما هم می‌توانید در درس ریاضی موفق باشید** را به آنها معرفی می‌کنم. تاکنون چندین جلد از این کتاب را به دانش‌آموزانم و کتابخانه مدرسه هدیه داده‌ام و قسمت‌هایی از آن را در کلاس درسم خوانده‌ام. من امیدوارم که دانش‌آموزان و معلمان عزیز بتوانند در کتابخانه‌های مدارس، شاهد حضور کتاب‌های این معلم عاشق باشند و از طریق آنها، با دنیای متفاوت از ریاضی مدرسه‌ای آشنا شوند.

سال‌های آخر دبیرستان من برمی‌گردد به حدود سال ۷۸ - ۷۹ به بعد. آن زمان اوج روزهای رقابت در عرصه کنکور بود. کتاب‌های رنگارنگ کمک‌درسی مُد شده بود و کتابخانه مدرسه پر بود از آنها و البته عجیب هم پرترفدار بودند. هر روز در کتابخانه مدرسه جست‌وجو می‌کردیم تا ببینیم چه کتاب نکته و تست جدیدی به بازار آمده است. یک بار در پی این جست‌وجوها، نگاهی به سایر کتاب‌های قفسه ریاضیات انداختم. بینشان کتاب‌هایی کهنه با چاپ‌هایی قدیمی بود که در آن آشفته بازار کنکور، طرفداری هم نداشت. اتفاقی یکی را باز کردم. نوشته‌های آن کتاب با هندسه‌ای که در مدرسه می‌خواندیم خیلی فرق داشت. همان چند لحظه از ورق زدنش لذت بردم. کتاب نوشته مارتین گاردنر و ترجمه پرویز شهریاری بود. آن زمان نویسنده را نمی‌شناختم ولی اسم مترجم را شنیده بودم. بعدها در همان دوران، کتاب‌های دیگری از مترجم را دیدم. هر وقت کتاب‌هایش را می‌خواندم، از دنیای تست و کنکور جدا می‌شدم. کتاب‌های او، مرا با دنیای جدیدی از ریاضیات آشنا کرد. کم‌کم حس کردم که کتاب‌های این انسان، با بقیه کتاب‌های ریاضی که دیده بودم یک فرق اساسی دارد. حس می‌کردم نویسنده این کتاب‌ها، خودش عاشق ریاضی است و به اینکه من هم ریاضی یاد بگیرم عشق می‌ورزد. این احساس، بعدها خیلی‌خیلی قوی‌تر شد طوری که هنگام خواندن بعضی از کتاب‌هایش، احساس می‌کردم شاگرد کلاس معلمی عاشق و دلسوز هستم. در دانشگاه رشته ریاضی را انتخاب کردم. سال دوم دانشگاه بودم که شنیدم قرار است دانشگاه شهید باهنر کرمان به پرویز شهریاری دکتری افتخاری بدهد. دیدن پرویز شهریاری به‌عنوان